

## بررسی مسیحیت در ادوار فکری هگل

masoudasgary9@gmail.com

مسعود عسگری / دکتری فلسفه دانشگاه اصفهان  
دریافت: ۹۷/۱۰/۱۱ پذیرش: ۹۸/۰۲/۲۴

### چکیده

مسیحیت از منظر هگل در سه دوره قابل بررسی می‌باشد: برن، فرانکفورت و ینا. برن و فرانکفورت متعلق به دوره جوانی هگل یا نوشته‌های کلامی او محسوب می‌شوند، اما ینا به دوره کمال هگل تعلق دارد و او در آنجا فلسفه خویش را بنا می‌سازد. هگل در برن مسیحیت را در تقابل با یونان باستان قرار می‌دهد و بیان می‌کند که برخلاف یونان که دین آزادی است، مسیحیت به واسطه ایجابیتی که در ذات آن می‌باشد، به مجموعه‌ای از قوانین الزام‌آور تبدیل شده، که نفی آزادی را به همراه می‌آورد. او در این دوره، مسیح را با سقراط مقایسه می‌کند و می‌گوید: برخلاف مسیح که به رستگاری فرد می‌اندیشد، سقراط عموم و رستگاری جامعه را مدنظر دارد، و به این دلیل سقراط را برتر از مسیح می‌داند، اما در فرانکفورت نگاه او تعدیل می‌شود و تلقی مثبتی از مسیحیت پیدا می‌کند. او آنجا تأکید دارد که مسیح عشق را جایگزین احکام تنجیزی یهودیت می‌کند و این رستگاری انسان را به همراه دارد و سرانجام در ینا که متعلق به کمال و پختگی اوست، هگل می‌گوید مسیحیت حقیقت مطلق است، همچنان که فلسفه حقیقت مطلق است. تفاوت این دو، تنها در نحوه بیان است. مسیحیت حقیقت را به شکل تمثیل و کنایه بیان می‌کند و فلسفه به شکل اندیشه ناب. البته او در انتها نتیجه می‌گیرد که نیاز به فراروی از مذهب و رفتن به سمت وسوی فلسفه حس می‌شود؛ چراکه مسیحیت اندیشه مجسم است نه ناب، و تنها فلسفه است که حقیقت را به شکل ناب عرضه می‌کند. مقاله حاضر به روش تحلیلی - توصیفی به بررسی این سه دوره می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: خدا، مسیحیت، ایجابیت، متناهی، نامتناهی.